



اعلام تأسیف خاتم‌سرخگو

اولین نشست خبری فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت پس از ناآرامی‌های اخیر برگزار شد و او بخش‌هایی از این نشست را به پاسخگویی در مورد این اتفاقات گره زد. نکته مهم در این نشست مربوط به لحظاتی بود که او گریزی به

ملینا ۳ ساله، در آتش سوختن پرستاران و در آتش سوختن مدافعانمان و حتی فرزند معترضی که در کف خیابان سطل زباله را آتش زد، بودم. امروز از عمق جان متأسفم که این موضوعات را شاهد هستیم.»

مکت

نوجوانان و چالشی به نام نقش آفرینی سیاسی

تشویق نوجوانان به میانداری در حوادث سیاسی اتفاقی است که هر روز بیشتر از گذشته شاهد آن هستیم و پرنکتر شدن این موضوع در ناآرامی‌های چند سال اخیر، واکنش فعالان حوزه کسودک و فعالان مدنی را به‌نبال داشته است.

آنها معتقدند که نباید کودکان وارد سیاست شوند چرا که این گروه سنی بر اساس هیجانات و احساسات خود وارد عرصه‌های مختلف می‌شوند و تصمیم می‌گیرند، اما بسیار آسیب‌پذیر هستند.

ایین واکنش‌ها در شرایطی رقم خورد که برخی از رسانه‌های خارجی در همان روزهای اول اعتراضات از هیچ تلاشی برای تشویق نوجوانان برای حضور در خیابان فروگذاری نکردند؛ موضوعی که روزنامه شرق در همان روزهای اول با اشاره به یکی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران به آن پرداخته بود و در گزارشی عنوان کرد: «رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در یکی از تبلیغات خود کودکی ۱۱ ساله را که لباس سرتا پا سیاه پوشیده است، برای دعوت به اعتراضات انتخاب کرده و نشان می‌دهند.»

مرور روزهایی که گذشت بار دیگر این موضوع را گوشزد می‌کند که کودکان و نوجوانان باید از فضای فعالیت‌های سیاسی مستقیم فاصله بگیرند. شاید بتوان بهترین فضا برای مشارکت اجتماعی و سیاسی نوجوانان را در فعالیت‌های ساختارمند و دور از خشونت جست‌وجو کرد؛ موضوعی که در دهه‌های گذشته تجربه‌های قابل قبولی از خود به‌جا گذاشته‌است، درست مانند شورای دانش‌آموزی و مجلس دانش‌آموزی که در قده‌های کوچک تلاش کردند تا نوجوانان را در بستری مناسب با فضای سیاسی آشنا کنند. در واقع در میانه این اتفاقات نباید فراموش کرد که واکنش نوجوانان با توجه به ساختار سنی و ذهنی‌شان بیش از اینکه مبتنی بر عقلانیت باشد، تا حد زیادی از غلیان‌های احساسی آنها نشأت می‌گیرد و همین موضوع باعث می‌شود که شدت و حدت حضور این نسل در اعتراضات دستخوش امواگرهای متعددی شود.

گفت‌وگو

گروه گزارش | در این روزها که اعتراضات پیرامون شرایط اقتصادی و نوسانات ارز و دلار به ناآرامی کشیده شده و دامنه معترضان از کسبه و فعالان اقتصادی فراتر رفته، بیش از پیش نام جوانان و نوجوانان به گوش می‌رسد. سند این ادعا

تصمیمات فردگرایانه

داوود طالقانی ریسک‌پذیری و تهور و نسل نوجوان را ناشی از فردگرا بودن کنش‌ها و تصمیمات آنها می‌داند و می‌گوید: «خانواده نهادی محافظه‌کار است و کسانی که از سنین نوجوانی عبور کرده‌اند و به مرحله مسئولیت‌پذیری در نهاد خانواده رسیده‌اند، در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنش پرسیکی ندارند، اما نسل زده، نسل آلفا و دیگر گروه‌های سنی ذیل عنوان جوان و نوجوان که هنوز به مرحله تشکیل خانواده نرسیده‌اند، از ریسک‌پذیری بالایی برخوردارند.»

ظرفیت‌های اجتماعی

این تحلیلگر اجتماعی و کارشناس رسانه بی‌توجهی به ساختارهای ذهنی و ویژگی‌های شخصیتی نسل جوان را یک خطای اهریدی عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: «نوجوانان سرمایه اجتماعی از زشمند جامعه هستند که در دور‌های حساس جامعه مانند دوران جنگ تحمیلی و حتی جنگ ۱۲ روزه نقش مؤثر و قابل‌توجهی ایفا کرده‌اند. حالا هم نباید این پتانسیل و سرمایه اجتماعی عظیم کشور را نادیده بگیریم یا در برخورد با آنها به بیراهه برویم. هیجاناتی که در شخصیت نوجوانان و جوانان وجود دارد بخش غیرقابل‌انکار شخصیت و روحیات آنهاست که اگر در جهت تأمین منافع ملی هدایت شوند، می‌توانند در ساختن آینده کشور تأثیر بسزایی داشته باشند.»

ذهنیت‌سازی هدف‌دار

طالقانی تصویرسازی ذهنی رسانه‌های بیگانه برای نوجوانان را مهم‌ترین عامل عصبان و اعتراض آنها نسبت به شرایط موجود جامعه می‌داند و می‌گوید: «حساسات و نگرش‌های منفی که نسبت به شرایط کشور در میان تعداد محدودی از نوجوانان به‌وجود آمد، زمینه سوءاستفاده دشمن را ایجاد کرد. این نگرش حاصل تصویری است که شبکه رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن از جایگاه فعلی و آینده ایران ترسیم می‌کند. در این تصاویر چهره جمهوری اسلامی ایران را ضدزندگی معرفی می‌کنند و پیشرفت‌ها و داشته‌های کشور را نادیده می‌گیرند.»

وقت جنبش رسانه‌ای است

او شکل‌گیری یک آرایش رسانه‌ای نظام‌مند و هدف‌دار را برای اصلاح این ذهنیت لازم می‌داند و توضیح می‌دهد: «ما به یک جنبش رسانه‌ای و دیجیتال نظام‌مند نیازمندیم تا گفتار رسانه‌ای مؤثری شکل بگیرد. در این جنبش که رسانه ملی نقش محوری دارد، باید همه رسانه‌های مکتوب و شنیداری تا انسان رسانه‌ها و خرده‌رسانه‌های سایبری بسیج شوند تا بتوانند با بیانی مؤثر اثرات تخریبی روایت‌های تحریف‌شده از ایران را کاهش دهند. در این گفتار رسانه‌ای باید پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... بازگو شود تا مخاطب نوجوان از آینده تصویری روشن و امیدوارکننده داشته باشد.»

رسانه‌های مجازی بر طر‌ف‌دار

اقبال نسل جوان به رسانه‌های مجازی و مرجعیت پیدا کردن این سکوه‌های خبری در نسل زد و آلفا موضوع دیگری است که طالقانی به آن اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «در محبوبیت خرده‌رسانه‌ها و سکوه‌های ارتباطی دیجیتال در همه اقشار جامعه و به‌ویژه نوجوانان و جوانان تردیدی نیست و در برخورد حاکمیت با پلتفرم‌های دیجیتال این مقبولیت عمومی باید مورد توجه قرار بگیرد. حضور بیش از ۴۰ میلیون کاربر در فضای مجازی و استفاده آنها از پلتفرم‌های مختلف باعث می‌شود که هر برخورد تسنجیده با رسانه‌های دیجیتال نارضایتی عمومی به‌وجود آورد که باید از آن برهیز داشته باشیم، اما اگر آرایش رسانه‌ای بومی به درستی شکل بگیرد تا مخاطب خرده‌روایت‌های مؤثری در یافت کند، میدان‌داری این سکوه‌ای ارتباطی هم تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.»

ارائه الگوهای اعتراضی خشونت پرهیز

داوود طالقانی ترسیم الگوهای مطالبه‌گری به دور از خشونت را یکی از وظایف رسانه‌های بومی عنوان می‌کند و می‌گوید: «اگر گفتارهای رسانه‌ای به ایجاد گفتارماندنی به دور از خشونت منجر شود، شاهد اعتراضات خشونت‌بار در کف خیابان نخواهیم بود. اما در کنار این گفتارماندنی باید انتخاب‌گری و هوشمندی مخاطبان رسانه‌ها هم تقویت شود.»

جگرگوشه‌هایم را از من گرفتند

گفت‌وگو با پدری که همسر و فرزندش را در حمله اسرائیل به تهران نواز دست داد

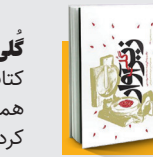


دختری که نیمه وجود پدر بود

خانواده حمیدیان در آن یکشنبه شوم قربانی کین دشمن شده و موشک به خانه‌شان اصابت کرد. پدر از زیر آوار بیرون آورده شد اما ۳ روز بعد، پیکر کوچک سروین از میان طبقات فرو رفته پیدا شد و یک روز پس از آن، پیکر حدیث، سعید حمیدیان، پدر سروین، با چشمانی اشکبار می‌گوید: «من همان لحظه مردم. بدنم ماند، اما دلم رفت. نیمی از وجودم زیر خاک خوابید.» او از دخترش به‌عنوان «عصای پی‌ری» و «نیمی از وجودش» یاد می‌کند و می‌گوید: «سروین فقط دخترتم نبود؛ مهربان، باهوش، مؤدب و بالیمان بود. همیشه به جای «بله» می‌گفت «جان بابا». با من مثل یک دوست بزرگسال رفتار می‌کرد و با مادرش همچون شاگردی عاشق.» سروین از همان کودکی عاشق حضرت رقیه(س) بود و هر بار نام آن حضرت برده می‌شد، چشمانش برق می‌زد. پدرش با افتخار تعریف می‌کند که این دختر کوچک، با ایمان راسخش، او را که سال‌ها نماز نمی‌خواند، دوباره به‌سوی نماز و روزه کشاند.

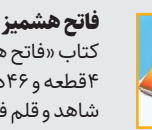
نایفه‌ای کوچک و باحیا

سروین یک نایفه بود. از چهار سالگی شنا را شروع کرد و مدال‌ها و تندیس‌های متعددی به خانه آورد. ریاضی برایش مثل بازی بود؛ با چرتکه محاسبات پیچیده را در چند ثانیه انجام می‌داد.



کلی زیر آوار

کتاب «کلی زیر آوار» زندگی شهید سیدمجتبی حسینی را در ۴ فصل روایت می‌کند. این کتاب به قلم هما مهرآبادی و مریم‌السادات زکریایی نوشته شده و انتشارات «بیت‌وهفت بعثت» آن را منتشر کرده است. «تمام دلخوشی خانه» و «میان آتش مریدش می‌شود» از جمله فصل‌های این کتاب است.



فاتح هشمیز

کتاب «فاتح هشمیز» از مجموعه کتاب‌های زنان آسمانی به کوشش مجموعه «ایران صدا» در قالب ۴ قطعه و ۴۶ دقیقه برای مخاطبان به فایل صوتی تبدیل شده است. در این کتاب که به همت نشر شاهد و قلم فریبا انبیس منتشر شده داستان زندگی ناهید فاتحی کرجو روایت می‌شود.

یاد

شهید غریب در اسارت



شهید اکبر دانشی، فرزند روستای «هور پاسفید» از توابع استان کرمان، در عملیات بیت‌المقدس با ایمان و شجاعت در کنار همزمان خود حضور یافت و پس از مجروحیت و اسارت، در شمار مفقودالانرها باقی ماند. او در

اسارت به‌علت شدت جراحات به شهادت رسید و بعد از ۱۴ سال پیکر او به وطن بازگشت.

احمد یوسف‌زاده، هم‌رمز و دوست دیرینه‌اش از او چنین روایت می‌کند: «اکبر دانشی انسانی مؤمن بود. همیشه نام امام زمان(عج) را بر زبان داشت و در سخت‌ترین لحظات با یاد خدا آرام می‌گرفت. هیچ‌گاه از خطر عقب‌نشینی نمی‌کرد. شجاعت و فروتن بود؛ خود را برتر از دیگران نمی‌دانست و ساده‌زیست بود. با همه با محبت رفتار می‌کرد. صبور بود؛ در برابر درد و تشنگی بی‌تابی نشان نمی‌داد. ایثارگر بود؛ جان خود را برای مهربانش می‌گذاشت. وفادار بود؛ حتی در لحظه مجروحیت نگران دوستانش می‌شد. خوش‌اخلاق بود؛ با لیخنند دلگرمی می‌داد. مهربان بود؛ دل‌های اطرافیان را آرام می‌کرد.»

یوسف‌زاده از لحظه وداع با هم‌رمز خود این چنین روایت می‌کند: «اکبر در عملیات بیت‌المقدس همراه ما بود. در میانه نبرد، گلوله‌ای به ران پایش اصابت کرد و خون زیادی از او رفت. در همان لحظه‌ها مدام نام امام زمان(عج) را صدا می‌زد و می‌گفت چرا وقتی انسان می‌خواهد شهید شود امام زمان(عج) را نمی‌بیند. ما تلاش کردیم او را جابه‌جا کنیم، اما توان نداشت و فقط چند قدم آمد. تشنه بود، برایش آب آوردیم و زخم پایش را بستیم. در همان حال، سربازان عراقی رسیدند و ما را اسیر کردند. یکی از سربازان قصد داشت اکبر را همانجا بکشد، اما با التماس ما منصرف شد. بعد از انتقال، او را از ما جدا کردند و دیگر هیچ خبری از او به‌دست نیامد. از آن روز تا امروز، اکبر در شمار مفقودالانرهاست. برای ما، لحظه جدایی‌اش همان لحظه شهادت بود؛ زیرا با آن زخم سنگین و خون‌ریزی شدید، دیگر توان ادامه نداشت و به دل ما یقین شد که او به آرزویش یعنی شهادت رسیده است. سال‌ها بی‌خبری، او را در شمار مفقودالانرها قرار داد و مادرش با دل‌پری از انتظار چشم از جهان فرو بست.»

روایت تهران

ماجرای ساخت مسجد فخر چه بود؟



اشرف‌الملوک یا اشرف امینی معروف به «فخرالدوله» دختر مظفرالدین‌شاه قاجار و مادر علی امینی، نخست‌وزیر ایران، در تاریخ به نیکوکاری مشهور است؛ زنی که علاوه بر ساخت چند مدرسه، مسجد و بیمارستان، زمین آسایشگاه کهریزک را وقف کرد. او مؤسس تاکسیرانی خصوصی در ایران بود که تاکسی‌های این مؤسسه را نیز به راننده‌هایش بخشید. امینی راننده‌های تاکسی را هم از میان جوانانی انتخاب می‌کرد که به تازگی تشکیل خانواده داده بودند و نیاز مالی داشتند.

دعای ساکنان محله سر تخت در شهری نیز پشت سر این بانوی نیکوکار است. او در دهه ۲۰ شمسی نخستین ژنراتور برق را به ری و محله سر تخت آورد که به «برق خانوم» معروف شد. تا قبل از این ژنراتور، روشنایی حرم عبدالعظیم حسنی و کوچه‌های اطراف آن با نور شمع تأمین می‌شد. از جمله کارهای عام‌المنفعه امینی، ساخت مسجد فخر در منطقه ۱۲ کنونی است. او این مسجد را به تشویق حجت‌الاسلام فلسفی (واعظ مشهور کشور) ساخت. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه در این‌باره می‌گوید: «یک روز آقای فلسفی به فخرالدوله می‌گوید نمی‌خواهی برای خودت باقیات و صالحاتی داشته باشی؟ فخرالدوله می‌پرسد چه کنم؟ فلسفی هم می‌گوید مسجدی بساز و فخرالدوله دستور ساخت مسجد فخر را می‌دهد.» ساخت بنای این مسجد سال ۱۳۲۴ در بخشی از پارک امین‌الدوله شروع شد و ۴ سال بعد به پایان رسید. این مسجد ۲۵ مهر سال ۱۳۸۳ با شماره ۱۱۲۰۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی کشور مان به ثبت رسیده است.